

پیام نهم

اجتماعات مردمی، انتقال بین نسلی آرمان های انقلاب رابه دهه هشتادی ها و دهه نودی هاتسهیل می کند.



یکی از پدیده های تأمل برانگیز در اجتماعات مردمی رضائی، حضور نسل دهه هشتادی و دهه نودی در این محافل است. بعد از حوادث دی ماه، درباره رده سنی نوجوانان و دانش آموزان و ایهاماتی که برای آنها به وجود آمد، تحلیل های فراوانی مطرح شد. رهبر مهربان و دلسوز انقلاب در آخرین سخنرانی قبل از شهادت (با مردم تبریز)، حتی با گروهی از نوجوانان و جوانان که در حوادث دی ماه فریب خورده بودند، نهایت مدارا و

همدلی را داشتند و از وجود پشیمانی در طیفی از آنها سخن گفتند.

خدا شهادت آیت الله خامنه ای، به اندازه صدها و هزاران کار تبیینی در رده سنی دهه هشتادی و دهه نودی کارکرد داشته و بسترهای ذهنی و روانی بسیار خوبی برای گفتگو با این نسل فراهم آورده است. این بستر را باید غنیمت شمرد و از آن به احسن وجه بهره برد. بهترین بهره برداری در این فرصت تبیینی که به وجود آمده، بیش از آنکه تأمین اهداف کوتاه مدت سیاسی باشد، باید معطوف شود به آشنایی این نسل با آرمان های انقلاب.

آیت الله خامنه ای از نظر ویژگی های فردی و شخصیتی برای نسل نوجوان و جوان جدّ ابیت های فراوانی دارد. یکی از ویژگی های ایشان نوعی «آرمان خواهی» است که حتی در دوران پیری ایشان زنده بود؛ تا آنجا که پیشران اصلی آرمان گرایی در نسل جوان انقلابی کشور بوده اند. عدالت خواهی، مردم سالاری، استقلال خواهی، استکبارستیزی، پیشرفت ایران، اقتدار علمی و مجموعه آرمان های بزرگ که می تواند برای نسل نوجوان و جوان شورانگیز باشد، در بیانات رهبر شهید انقلاب با توضیحات تفصیلی مطرح شده است. جذاب شک و تردیدهایی که رسانه ها و شبکه های اجتماعی دشمن ایجاد کردند، اجازه نداده امتهات اندیشه آیت الله خامنه ای آن طور که باید توسط نسل نوجوان و جوان دیده و شنیده شود. در اجتماعات مردمی شب ها و روزهای رمضان امسال، گوش ها آماده شنیدن آرمان های بلند رهبر شهید انقلاب برای آینده ایران است، ان شاء الله.

پیام یازدهم

از جمله آثار اجتماعات مردمی، ایجاد رعب در دل معدود فرصت طلبان و تجزیه طلبان است.



در این ایام، صحنه های خیابانی و میدانی شهرها نه تنها محل اجتماعات، بلکه کارزار بازتعریف «اراده ملی» در برابر «توطئه های پنهان» است. اجتماعات خودجوش مردمی که امروز در اقصی نقاط کشور شکل گرفته، واکنشی طبیعی و هوشمندانه در برابر تلاش عده ای معدود برای دگرگون کردن چهره این سرزمین است.

هدف اصلی این حضور باشکوه، فراتر از یک تجمع ساده، ایجاد یک «رعب هوشمندانه» در دل عناصر معاند، تجزیه طلبان و فرصت طلبانی است که در پناه ناآگاهی یا سکوت، نقشه های خود را دنبال می کردند. وقتی توده مردم، با آگاهی و وحدت، فضا را تسخیر می کنند، آن ها عملاً فضای بازی را برای این عناصر تنگ و خفه می کنند. حضور میلیونی مردم، پیغامی

روشن به دشمنان است: «اینجا، خانه ماست و هیچ کس حق تصرف یا ویرانی ندارد.»

این اجتماعات، پیامی شفاف به نخبگان و اقلش مختلف جامعه نیز مخابره می کند: امنیت و حاکمیت، محصول سکوت نیست، بلکه ثمره هوشیاری و حضور فعال مردم است. این حرکت ها نشان می دهد که بدنه اصلی جامعه، هوشمندانه و بی واسطه، در مقابل تلاش های نفوذی و آشوب طلبانه مقاومت کرده و هرگونه امید بیهوده ای به فروپاشی را در نطفه خفه می کند. برای نخبگان و مسئولان، این لحظات، فرصتی طلایی برای تبیین واقع نمایی شرایط است. نباید اجازه داد فضای ذهنی جامعه توسط شایعات و بازی های روانی معاندان آلوده شود. اجتماعات امروز، مرزبندی دقیق بین «مردم» و «معاندان» است. ایجاد رعب در دل تجزیه طلبان، نه با ترس، بلکه با نشان دادن قدرت حضور مردمی و اراده آهنین ملت به دست می آید.

در پایان، این اجتماعات نه تنها نماد مقاومت، بلکه هشدار جدی به فرصت طلبان است که «ایستاده و متحد» بودن، قوی ترین بازدارنده در برابر هرگونه تهدید خارجی یا داخلی است. بگذارید این رعب ناشی از وحدت، درس جاودانه ای برای تمام دشمنان ایران باشد.

اجتماعات مردمی باید تا زمان مایوس شدن دشمن ادامه پیدا کند.



ایده امتیازبخش جمهوری اسلامی مردم پایگی آن است. در هر موضوع که مردم به میدان آمده اند، انقلاب به پیش رفته و گرهی جدی گشوده است. اینک که مردم متأثر از غم مصیبت شهادت رهبرشان و برای ابراز احترام نسبت به او و بلکه برای اعلام ضرورت انتقاد به میدان آمده اند آیا این حضور را باید به شکلی نمادین درک کرد یا به مدت معین، محدود نمود؟ واقعیت آن است که حتی در ایام رحلت امام خمینی علیه السلام نیز ما با چنین وضعیتی مواجه نشده بودیم؛ اینکه همزمان با نبود رهبر و رأس ساختار حاکمیتی، مورد هجوم دشمنان بوده باشیم؛ دشمنانی که یکی نماد نظام سلطه بین المللی و ابرقدرت نامیده می شود و دیگری داغ ننگ نسل کشی رژیم را بر پیشانی دارد. درک این پیچیدگی است که مردم را با این کیفیت به میدان آورده است. بنابراین فروکاستن این شوق و حضور به یک امر نمادین یا یک عزاداری معمول در سوگ یک بزرگ، نادیدن درک مردم است؛ درکی که ریشه در واقعیت دارد. این پدیده، هوشمندی و روزآمدی و به هنگام بودن کنش ایرانیان را به رخ می کشد و وقتی این هوشمندی و روزآمدی توأم با انگیزه انتقام شده است نباید این سرمایه اجتماعی را از عرصه برون برد.

امکان طولانی شدن این نبرد مقدس و طبعاً وقوع برخی معضلات ملی، امری است که از آن ناگزیر هستیم و بهترین سرمایه برای حل این معضلات، استفاده از این بیعت و اعلام آمادگی عمومی برای پشتیبانی از کشور است. کنش های هدفمند درون همین حضور، تنوع و چالاکی در شب ها و روزهای مختلف کنونی نشان می دهد این جمعیت عظیم، پذیرای نقش های متنوع و متناسب با نیازهاست. فراتر، حضور کنونی مردم نه یک کار برای مقابله با چالش ها، بلکه عین رشد و بالندگی است. آن کسی که ایمان دارد ولی عملی ندارد مرتبه ای دارد و آن کسی که علاوه بر ایمان با عملی بزرگ به میدان می آید، هم از فرسایش ایمانش جلوگیری می کند و هم آن را ارتقاء و جلا می دهد. ایمان عمومی و انقلابی مردم ایران هم از طریق همین تجمعات و سوقشان به سمت نیازها، رشدی تصاعدی را تجربه خواهد کرد.

پیام سیزدهم

رابطه مردم با امام شهید، رابطه ایمانی و قلبی است که اکنون به ظهور رسیده است.



پیوند میان مردم و رهبر الهی، پیش از آنکه یک قرارداد رسمی باشد، ریشه ای عمیق تر در اعماق قلب و ایمان داشته است. این پیوند نانوشته، بر پایه تکیه ای است که مردم به شخصیت، تدبیر و اتصال ایشان به وحی الهی داشته اند؛ تکیه ای که در دوران حیات، در سکوت قلب و اعتماد درونی خود را نشان می داد. اما این رابطه قلبی،

با شهادت رهبر عزیز، از حالت درونی و پنهان به حالت ظهور و بیانی درآمد. اکنون، همان پیوند نانوشته ای که روزگاری در دل ها نهفته و دل ها به آن تکیه کرده بود، در عرصه اجتماعات خیابانی و در تظاهرات پرشور مردمی، صورتی عینی و ملموس به خود گرفته است.

همان گونه که در دوران حیات، مردم با ایمان به وعده الهی به رهبر تکیه می کردند، پس از شهادت نیز این ایمان، مانع از هرگونه هلاکت و انحراف قلب ها به سوی باطل شد. حال وهوای خیابان ها گواهِ این حقیقت اند که حضور فیزیکی مردم، تبلور همان حضور قلبی ایمان و رهبری مومن انقلاب در جان مردم است.

با شهادت رهبر انقلاب، مردم با پوشیدن لباس عزا و انتقام در خیابان، بار سنگین مسئولیت و تعهد حفظ ایران اسلامی را، دقیقاً همان طور که در دوران حیات رهبر بر دوش کشیده بودند، به صورت خودجوش و عمومی برعهده گرفته اند.

همان گونه که پیش تر، استکبار در فاصله انداختن میان رهبر و قلب مردم شکست خورده، اکنون نیز در جلوگیری از حضور مردم در خیابان برای ابراز وفاداری ناکام مانده است. حضور در اجتماعات، همان پیوند نانوشته میان امام و امت است که دیگر نمی توان آن را پنهان کرد؛ زیرا اکنون این پیوند، در صحنه عمومی و با صراحت حضور مردمی، خود را نشان می دهد. حضور در خیابان، تجلی عینی همان ایمان قلبی به رهبر است که امروز با صدای بلند و پایگاه های قدرتمند مردمی، ثابت کرده که پیوند ایمانی با رهبری الهی، با شهادت گسسته نمی شود، بلکه در شور حضور جمعی، قوی تر و زنده تر می گردد و بزرگ ترین مانع را بر سر راه هرگونه طمع خارجی قرار می دهد.

پیام دوازدهم

ملت ایران با حضور در اجتماعات، تاریخ مستقل خود را خواهند نوشت.



تاریخ پنج سده اخیر ایران، شرح حماسی مقاومتی است که ملت ایران در برابر موج های پی درپی سلطه خارجی، با خون دل و بذل جان، از حق خود برای زندگی مستقل دفاع کرده است. این مبارزه، تلاش مستمر برای حراست از هویت تمدنی، تمامیت ارضی و مالکیت بر منابع ملی بوده است؛ از مقاومت در برابر پرتغال در خلیج فارس تا نبردهای سخت با روسیه و بریتانیا که با قراردادهای ننگین گلستان و ترکمانچای و امتیازاتی چون تنها حق ملی شدن صنعت نفت همراه بود اما اوج این رنج ها در اشغالگری های بین المللی و فاجعه قحطی بزرگ نمایان شد، هرچند که اراده ملی هرگز در نهضت مشروطه، جنگل و مقاومت های اقوام، نشکست.

امروز، این فصل پررنج به یک نقطه عطف تاریخی رسیده است. دوباره یک قدرت خارجی به دنبال استعمار و استثمار ایران برآمده است. دوباره حضور گسترده و فداکارانه ملت در اجتماعات، به ویژه پس از شهادت رهبر شهید، پیامی قاطع به جهان مخابره کرد که ملت ایران دیگر اجازه نمی دهد استعمارگران خارجی فصل بعدی تاریخ این سرزمین را بنویسند. ملت ایران با این واقعیت آگاه است که هرگاه یک خارجی و متجاوز، مسیر حرکت تاریخی ایران را تعیین کرده است، کشور وارد یک چرخه بدبختی طولانی مدت شده است.

این حضور حماسی، اعلام اراده ای ملی برای مالکیت کامل بر سرزنوشت است؛ خواه در برابر جنگ تحمیلی یا تحریم های حداکثری اقتصادی و یا هر شکل دیگری از مداخله. ایرانیان ثابت کرده اند که حفظ استقلال، هزینه ای است که نسل به نسل با فداکاری پرداخت شده و اکنون، با تکیه بر اتحاد مردمی، ملت، خود سکان دار تاریخ جدید خواهد بود؛

پیام چهاردهم

حضور مردم در اجتماعات، تضمین کننده ثبات نیروهای مسلح در جنگ است.



حضور اعجاب انگیز ملت ایران در خیابان ها با انبوع مدل های اجتماع، راهپیمایی و دسته های عزاداری، به گونه ای مکمل کار نیروهای مسلح شده است که کارکرد آن صرفاً به تأمین امنیت شهری محدود نمی شود. سیل عظیم جمعیت هایی که روزانه

و شبانه در خیابان ها حاضر می شوند، شعارهای متعددی از جمله «انتقام خون رهبر انقلاب»، «تابودی رژیم جعلی اسرائیل»، «حذف آمریکا از منطقه» و «تشدید آتش نبرد» سر می دهند، اما آنچه به جهان و منطقه مخابره می کنند، یک معنای واحد است و آن اینکه جامعه ایران به شکلی یک دست پشتیبان نیروهای مسلح است تا آنها به نمایندگی از ملت ایران، رژیم جعلی اسرائیل را از بین ببرند و آمریکای جنایت کار را از منطقه اخراج کنند؛ بنابراین وجوه معنایی، ارزشی و آرمانی دفاع مشروع نیروهای مسلح در منطقه را ملت ایران با حضور دائمی خود در خیابان ها تقویت کرده و در سطح کشور، منطقه و جهان توسعه می بخشد. دلیل رشد فزاینده جمعیت مردم در خیابان ها نیز همین است که هرچه از روزهای شروع جنگ می گذرد، آگاهی عمومی نسبت به این موقعیت خطیر بیشتر می شود و مردم رشید ایران، درکی عمیق تر از رسالت خود پیدا می کنند و به همین جهت، پر شورتر از شب قبل، به خیابان ها می آیند تا با حمایت همه جانبه خود از عملکرد نیروهای مسلح، استحکام گفتمانی عملکرد آنها را دوچندان سازند.



payamenehzat.ir

@paiamenehzat

فهرست

پیام اول	ملت ایران بعد از شهادت حضرت آقا احساس مسئولیت کرده اند.
پیام دوم	خدای متعال مردم ایران را مبعوث کرده است.
پیام سوم	اجتماعات، زمینه ای برای انتقال برنامه های مساجد به خیابان است.
پیام چهارم	اجتماعات، بهترین فرصت سازماندهی و تثبیت شبکه های موبیرگی انقلاب است.
پیام پنجم	نتیجه جنگ را بیش و پیش از تسلیحات نظامی، «اراده مردم ایران» مشخص می کند.
پیام ششم	اجتماعات مردمی، هسته حراست از خط امام و گفتمان رهبری در ادامه مسیر انقلاب است.
پیام هفتم	کارکرد اصلی شعارهای مربوط به اجتماعات، جذب حداکثری است.
پیام هشتم	میدان داری مردم در اجتماعات، نظام محاسباتی دشمن را تغییر داده است.
پیام نهم	اجتماعات مردمی، انتقال بین نسلی آرمان های انقلاب را تسهیل می کند.
پیام دهم	اجتماعات مردمی باید تا زمان مایوس شدن دشمن ادامه پیدا کند.
پیام یازدهم	از جمله آثار اجتماعات مردمی، ایجاد رعب در دل معدود فرصت طلبان و تجزیه طلبان است.
پیام دوازدهم	ملت ایران با حضور در اجتماعات، تاریخ مستقل خود را خواهند نوشت.
پیام سیزدهم	رابطه مردم با امام شهید، رابطه ایمانی و قلبی است که اکنون به ظهور رسیده است.
پیام چهاردهم	حضور مردم در اجتماعات، تضمین کننده ثبات نیروهای مسلح در جنگ است.

۴

نبرد سرزنوشت؛

ملت مبعوث

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران

۱

نبرد سرنوشت

مجموعه پیام های نبیی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام اول

ملت ایران بعد از شهادت حضرت آقا احساس مسئولیت کرده‌اند.



وقتی پدر خانواده با مراقبت و دلسوزی همه نیازهای خانواده را فراهم نموده و اعضای آن همواره به او تکیه کرده‌اند، در حادثه‌ای که پدر را از خانواده می‌گیرد به یک‌باره همه احساس خلأ خواهند کرد. در این خلأ خانواده به یک بازچینش اقدام می‌کند. رهبر انقلاب پدري بود که در کمال آرامش بسیاری از نیازهای اساسی خانواده بزرگ ایران را تأمین می‌کرد. به‌یک‌باره در مواجهه با نبود ایشان، ادراکی از خلأ و فقدان بر سر ما آوار و همین ادراک، باعث شکل‌گیری اهتمام عمومی برای آمدن به میدان شده است.

یک وجه دیگر حضور عمومی مردم، غم بزرگی است که از دریافت و مواجهه حضوری با این فقدان، شکل گرفته است. این غم به حدی بزرگ است که تسکین آن نیازمند تکیه به دیگران است. این غم مشترک، ما را در یک نقطه انگیزشی و اندیشه‌ای به هم پیوند می‌زند و در این پیوند نمی‌توانیم بین خود و دیگران تفاوت قائل باشیم؛ دیگران را جزو خودمان می‌دانیم و نمی‌توانیم نسبت به دیگری که خود دیگر ماست بی‌تفاوت باشیم.

یکی دیگری از ریشه‌های جدی این واقعیت درخشان، ادراک وجود گفتارهایی است که منتظر دریدن ایران هستند. سیعیت آمریکا و رژیم صهیونی چیزی نیست که از چشم ایرانیان پنهان بوده باشد. خود دشمن هم مدت‌هاست سخن از تجزیه ایران گفته و آن‌قدر در آن دمیده است که دیگر هیچ گوشی آن را سخن غریبی نمی‌داند. تا زمان حضور رهبر انقلاب، همگان احساسی از وجود یک سد جدی داشتند که این برنامه را منسد می‌ساخت، اما اینک در دریافت نبود این سد، آن سخن دهشتناک دوباره به یادها آمده است؛ نگرانی از سرنوشتی نامعین ناشی از هجوم گفتارهایی که قصد تکه‌تکه کردن ایران دارند. این نگرانی باعث حس مسئولیت شده است. اینکه باید کاری کرد و نباید ایران را باخت. دریافت این مطلب که برای هر بهبود و ارتقایی در ایران، باید قبلیش ایرانی وجود داشته باشد. این دریافت عمومی نیز باعث قبول مسئولیت شده است.

پیام دوم

خدای متعال مردم ایران را مبعوث کرده است.



خداوند در شرایط سخت و فتنه‌آمیز، به ملت ایران توفیق داد تا با برانگیختگی فطری، خط مستمر بعثت نبوی را در دوران معاصر نمایان کند. انقلاب اسلامی در ایران، مضمون بعثت را بازتولید کرد؛ این برانگیختگی ابتدا در وجود امام خمینی علیه‌السلام تجلی یافت و با همت ایشان، جامعه را زنده، عقل را بارور و نعمت‌های ودیعه نهاده شده در فطرت انسانی را یادآور ساخت تا جامعه برای اهداف مقدس و حیات طیبه به حرکت افتد.

بدون فداکاری، شجاعت و پایداری رهبر الهی و افق‌گشایی او در فهم زندگی حقیقی، برانگیختگی آحاد جامعه عملاً ناممکن بود. به عبارتی، خط ممتد بعثت با کمک مجاهدت اولیای الهی به جامعه سپیده و آن را به حرکت درآورد. جامعه در امتداد حیات و برانگیختگی اولیای الهی، معنا و برنامه‌ای جامع از زندگی یافت. عمده شعارهای انقلاب، برگرفته از احیای دین اسلام در تداوم بعثت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم توسط امام بودند و از این سرمایه برانگیختگی، توسط رهبر شهید انقلاب محافظت شد.

جرئت، شجاعت، مقاومت و استقامت انسان بالایمان ایرانی در مقابل طاغوت و پایداری بر عهد دینی و آرمان‌های انقلابی و ملی در این شرایط خاص، ناشی از برانگیختگی جان‌انسان‌هایی است که خداوند از طریق رهبران انقلاب و در ذیل آن‌ها به وجود آورده است. این ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌ها، توطئه‌ها و فتنه‌ها، ناشی از جایگاه و شخصیت رهبران الهی در زنده‌کنندگی و افق‌گشایی الهی در جامعه است.

برخلاف سایر کشورها که بر اساس موهومات، سعی در فعال‌سازی اراده ملی دارند، رهبران الهی با زنده‌کردن وقایع انسانی، نه تنها اراده و حرکت را در جامعه ایجاد می‌کنند، بلکه به این اراده‌ها جهت الهی می‌دهند تا به‌سوی خدا و مبارزه با طاغوت گام بردارند. رهبر شهید انقلاب با تکیه بر این جایگاه، جلودار و هدایت‌کننده اراده ملی بوده و این اراده‌ها را پای‌کار انقلاب و ایران آورده‌اند. با حضور گسترده و خودجوش مردم در صحنه دفاع و بر اساس همین اصل، این مسیر مادامی که اراده ملی به‌سوی خدا و انقلاب حرکت کند، ادامه خواهد داشت و در این حجم از تهاجم، جایگاهی جز این، توان ایجاد و به‌کارگیری اراده ملی را ندارد.

۳

نبرد سرنوشت

مجموعه پیام های نبیی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام سوم

اجتماعات، زمینه‌ای برای انتقال برنامه‌های مساجد به خیابان است.



بر اساس سنت تاریخی صدر اسلام، مساجد شهرها همواره مرکز اجتماع مسلمین بوده است. به تعبیر رهبر شهید انقلاب: «پیغمبر اکرم… [در خصوص] کاری که برای اجتماع پیش می‌آمد و مهم بود، صدا می‌زدند: الصلوة جامعۀ؛ بروید به سمت محل صلات؛ برای چه؟ برای اینکه راجع به مسئله جنگ مشورت کنیم یا خبر بدهیم یا همکاری کنیم یا بسیج کنیم امکانات را

و بقیۀ چیزها را…» لذا امروز که خیابان‌های شهر، به خط مقدمی برای آحاد ملت ایران تبدیل شده و حضور فزاینده آنها مانع نقشه‌های شورش‌طلبانه دشمن شده است، تنها نهادهی که بر اساس تجربه چند دهه انقلاب اسلامی و سنت تاریخی مسلمانان می‌تواند سازمان‌بخش امور باشد مسجد است که در حافظه تاریخی مسلمانان، همواره جایگاه عبادت و پایگاه سیاست بوده است؛ بنابراین در روزهای آتی که حضور مردمی در خیابان‌ها همچنان پایدار و پر شور است، برنامه‌های متعدد مساجد، می‌تواند تنوع و خلاقیت برنامه‌های خیابانی را ارتقا ببخشد و علاوه بر اجتماعات و راهپیمایی‌ها، دسته‌های عذارای، مناجات‌خوانی‌ها و انواع اجراها و سرودهای حماسی در سطح شهر اجرا شود. هنگامی که مسجد به محور مشورت و عقلاذیت گروه‌های مردمی برای مدیریت این قبیل کنشگری‌ها تبدیل شود، می‌تواند منشأ و سرآغاز حرکات بزرگ و برکات ماندگاری شود. رهبر انقلاب در این زمینه فرموده بودند: «در صدر اسلام، هم در زمان نبیّ مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و همچنین در زمان حکومت بابرکت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، مسجد، مرکز همه تصمیم‌گیری‌های مهم و کارهای بزرگ بود.»

۵

نبرد سرنوشت

مجموعه پیام های نبیی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

نتیجۀ جنگ را بیش و پیش از تسلیحات نظامی، «ارادۀ مردم ایران» مشخص می‌کند.



پس‌زمینهٔ مجموعهٔ بیانات رهبری دربارهٔ ماهیت جنگی که امروز در شدیدترین وضعیت نظامی آن قرار داریم، این است که تکلیف جنگ را «ارادۀ مردم ایران» تعیین خواهد کرد. ماهیت جنگ اجتماعی است و روایتی که مردم با رفتارشان می‌سازند، برآورد طرف را از پایان جنگ را می‌سازد. صحنه‌ای که طی شب‌ها و روزهای رمضانی دارد با حضور مردم ایران در خیابان‌ها خلق می‌شود، اگر استمرار یابد و تقویت شود، تعیین‌کنندهٔ اصلی معادلات نظامی و سیاسی جنگ خواهد بود. همچنان که رهبر شهید انقلاب در آن تأکید داشتند، حتی اگر مشکل سخت‌افزاری در لایۀ نظامی به وجود بیاید، با قوّت نرم‌افزاری در افکار عمومی مردم ایران، می‌توان آن را برطرف کرد. پیام‌های منتشر شده از سوی فرماندهان میدانی جنگ (از جمله پیام فرماندهٔ نیروهای هوافضای سپاه پاسداران) به خوبی نشان می‌دهد که در جنگ نابرابری که از نظر تسلیحات نظامی میان ایران با آمریکا و رژیم صهیونی برقرار است، خیابان‌های ایران پشتوانه و دلگرمی اصلی نیروهای میدانی است و دست‌ودل آنها را برای شلیک به‌سوی دشمن قرض می‌کند. با استمرار و تقویت و معنابخشی به اجتماعات شبانه و روزانهٔ رمضانی که در جریان است، پیروز قطعی این نبرد سرنوشت‌ساز ایران اسلامی است، ان‌شاءالله.

پیام ششم

اجتماعات مردمی، هسته حفظ و حراست از خطِّ امام وگفتمان رهبری در ادامه مسیر انقلاب است.



در لحظهٔ فقدان رهبری انقلاب، مهم‌ترین نگرانی که فراتر از حواشی فرعی باید دل‌مشغولی اصلی نیروهای انقلابی باشد، استمرار اصول و آرمان‌های انقلاب است. همین نگرانی در لحظهٔ فقدان امام خمینی نیز مطرح بود و اغلب سخنرانی‌های رهبر شهید انقلاب، در روزها و ماه‌ها و سال‌های آغازین دوران رهبری اختصاص داشت به اینکه خط امام و اصولی که امام بنیان گذاشت، باید امتداد بیابد. امروز هم به ناشی از رهبر شهیدمان باید همین امر را در دستور کار قرار بدهیم. رئیس‌جمهور جنایت‌کار آمریکا به‌صراحت در نطق‌های جنگی‌اش اشاره کرده است که خواهان نوعی «عمل‌گرایی» در نظام سیاسی بعدی ایران است. این عمل‌گرایی که او از آن سخن می‌گوید دقیقاً به معنای صرف‌نظر از اصول و آرمان‌های انقلابی ـ خصوصاً نفی عبودیت غیرخدا و ستیز با دستگاه استکبار و نظام سلطه، است.

امروز همچنان که در موقعیتِ جنگ تاریخی و سرنوشت‌ساز با رژیم آمریکا و رژیم صهیونی قرار داریم، در حال انتقال به دورهٔ جدیدی از انقلاب اسلامی هستیم. در این لحظهٔ تاریخی باید به حساسیت و اهتمام تلاش کنیم اصول و آرمان‌های انقلابی را به‌درستی معنا و حفظ کنیم. فهرست بلند اصول و آرمان‌های انقلابی را در «خطوط ترسیم‌شدهٔ از سوی امام خمینی» در دههٔ اوّل انقلاب و «گفتمان‌های تبیین‌شده از سوی رهبری» در سی و هفت سال از دوران زعامت ایشان پیش روی ما قرار دارد. اجتماعات مردمی را که در پی مصیبتِ عظیم شهادت رهبر انقلاب شکل گرفته باید به عنوان فرصتی برای بازخوانی آرمان‌های انقلاب و تعمیق آن در وجدان عمومی مردم ایران بهره بجوییم. مضمون این اجتماعات باید تکرار و تکثیر اصول و آرمان‌های انقلاب باشد. اجتماعات مردمی فرصتی برای شکل‌دادن به هسته‌های مردمی برای حفظ خط امام و گفتمان‌های رهبری است. خون رهبر شهید انقلاب، با فغال‌سازی هسته‌های مردمی برای زنده نگه‌داشتن آرمان‌های انقلابی، بستر ادامهٔ مسیر انقلاب را در ریلِ موردنظرِ امام و رهبری فراهم می‌کند، ان‌شاءالله.

پیام پنجم

کارکرد اصلی شعارهای مربوط به اجتماعات، جذب حداکثری است.



اصل اولی در این فضا، توجه جامعه به اقدامات خصمانه دشمن و جنایات او در این ایام است. دشمن باید در کانون خشم و نفرت جامعه قرار گیرد.

تمرکز شعارها و سخنرانی‌ها باید بر تبیین ماهیت متجاوزانه رژیم صهیونیستی، تشریح سابقه جنایات او، افشای اهداف دشمن از نام‌سازی منطقه و تهدید حاکمیت ملی ایران قرار گیرد. دشمن، امروز تنها در میدان نظامی فعال نیست، بلکه یک عملیات سنگین شناختی و رسانه‌ای را به‌طور هم‌زمان پیش می‌برد. او دنبال ایجاد فضایی آکنده از شایعه، تحریف، شبهه و وارونه‌نمایی است. بنابراین، یکی از وظایف اصلی این جمععات، طرح شبهات رایج درباره دشمن و پاسخ عقلانی و مستند به آن‌هاست تا افکار عمومی در برابر جنگ روانی مصون بماند. در مقابل، کارهایی وجود دارد که در این مقطع نباید انجام شود. این جمععات ملی و معنوی، جای دعوای جناحی، تسویه‌حساب‌های شخصی یا رقابت‌های سیاسی نیست. هر شعاری که به حذف، طرد یا تحقیر بخشی از جامعه منجر شود، عملاً به تضعیف جبهه داخلی کمک می‌کند. هدف باید جذب حداکثری اقشار مختلف مردم باشد؛ با سلاقی، گرایش‌ها و دیدگاه‌های متنوع؛ نباید به بهانه‌های مختلف، دایره خودی‌ها را تنگ کرد و بخش‌هایی از جامعه را از این همبستگی ملی طرد کرد.

همچنین نقد دولت، برجسته‌سازی کم‌کاری‌ها یا طرح مباحث اختلاف‌برانگیزی مانند مناقشات سیاسی و مذاکره، هرچند ممکن است در زمان خود قابل بحث باشد، اما امروز طرح آن‌ها در فضای جمععات مردمی، به‌انشقاق و تضعیف وحدت منجر می‌شود. مهم‌ترین اشکال این‌گونه‌مباحث این است که تمرکز افکار عمومی را از دشمن اصلی منحرف کرده و زمینهٔ اختلاف را ایجاد می‌کند. امروز، نقطه کانونی باید ایران، امنیت ملی و مقابله با دشمن متجاوز باشد. وحدت حول ملیت و اسلامیت، شرط عبور کم‌هزینه و مقتدرانه از این مقطع حساس است. هر شعاری که این وحدت را تقویت کند، درست و هر سخنی که آن را مخدوش سازد- حتی با نیت خیر- در مسیر منافع ملی قرار ندارد.

پیام هشتم

میدان‌داری مردم در اجتماعات، نظام محاسباتی دشمن را تغییر داده است.

پس از اغتشاشات دی‌ماه و عملیات سنگین روانی ـ شناختی که دشمن برای منفور سازی جمهوری اسلامی دنبال کرد، یک پیش‌فرض محوری در اتاق‌های فکر آمریکا و رژیم صهیونیستی مبنی بر تضعیف شدید سرمایه اجتماعی حاکمیت در ایران شکل گرفت. بر اساس همین توهن، دشمن به این جمع‌بندی رسید که جامعه ایران آمادگی لازم برای ایستادگی منسجم در شرایط بحران را ندارد و می‌توان با یک کمپین نظامی و گرّه زدن آسمان به خیابان، زمینه جنگ شهری، بی‌ثبات‌سازی داخلی و حتی تغییر نظام را فراهم کرد. شواهد متعددی از این محاسبه در اظهارات رسمی، رفتار میدانی و حتی پیام‌ها و توییت‌های رئیس‌جمهور جنایتکار آمریکا قابل مشاهده است؛ جایی که صراحتاً روی شورش داخلی حساب باز کرده بود. اما آنچه در عمل رخ داد، خلاف تمام این محاسبات بود. حضور گسترده، خودجوش و شبانه مردم در خیابان‌ها، جمععات حمایتی حول پرچم ایران و اعلام همبستگی با کشور، دشمن را دچار شوک راهبردی کرد. جنایت عظیم دشمن در تعدی به ساحت مقدس رهبر معظم انقلاب، قلوب همه مومنین و مردم ایران را سراسر از خشم و نفرت نسبت به متجاوز کرد. این حضور برخاسته از غیرت دینی، حس ملی و درک درست حضور دشمن و تهدید خارجی موجودیتی کشور بود و دقیقاً به همین دلیل، اثرگذاری آن چندبرابر شد.

بازتاب این صحنه‌ها در رسانه‌های مختلف جهانی، نشان داد که فرضیه جامعه خسته و بریده فرو ریخته است. تصویری که دشمن ماه‌ها برای القای آن هزینه کرده بود، در چند شب حضور مردم، بی‌اعتبار شد. حتی عناصر معدود وابسته و مزدور داخلی که دشمن روی آن‌ها به‌عنوان لیدرهای میدانی و جریان‌ساز حساب باز کرده بود، با دیدن حجم حضور مردم، عملاً از حالت عملیاتی خارج شد یعنی نه توان اقدام دارد و نه امکان فضاسازی.

اهمیت راهبردی این جمععات دقیقاً در همین نقطه است. استمرار حضور مردمی، این بخش از نقشه دشمن را ختنی و او را از سرمایه‌گذاری روی خیابان مأیوس می‌کند. چیزی که امروز هم نشانه‌هایی برای آن در صحنه وجود دارد. حفظ این فضا، یک ضرورت امنیت ملی و عنصر تعیین‌کننده در شکست محاسبات و نقشه دشمن است. سردرگمی دولت آمریکا در مدیریت جنگ و سوال‌های بی پاسخ جامعه نخبگانی و حتی عمومی آمریکا از دولت مستقر، صحبت‌های وزیر جنگ و امور خارجه و رئیس‌جمهور آمریکا در پاسخ به این شبهات و عدم اقناع نخبگان و سیاست‌مداران آمریکا، این آشفتگی را به خوبی به تصویر می‌کشد.

پیام هفتم

نبرد سرنوشت

مجموعه پیام های نبیی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

۸

نبرد سیرنوشت

مجموعه پیام های نبیی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران